

The relationship between approach/avoidance systems and attachment styles

Yaghubi R. MSc[✉], Azad-Fallah P. PhD¹, Tabatabaee SK. PhD¹

[✉] Department of Psychology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

¹ Department of Psychology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 2012.1.29

Accepted: 2013.11.16

Abstract

Introduction: The Study of personality structures and the components related to personal differences is of great importance. The present study is devoted to investigate the relationship between approach/avoidance systems and attachment styles.

Method: This is a correlational study. The sample population included 315 female postgraduates and PhD students in Tarbiat Modares University, who were selected by way of random stratification. The sample group was evaluated using Carver and White's Behavioral Inhibition/Activation Scales (BIS/BAS), Collins and Read's accompanied by Revised Adult Attachment Scale (RAAS).

Findings: The results of the present study indicated that there was a relationship between the approach system and secure attachment styles, as well as the avoidance system and insecure attachment styles. Furthermore, the study showed that BAS's subscales could explain secure attachment styles variance around 20 percent and the BIS could predict the variance associated with insecure attachment styles up to 11.5 percent.

Conclusion: The research findings suggest that the activity level of approach/avoidance systems can predict the individual's attachment styles.

Keywords: Brain/Behavioral Systems, Behavioral Inhibition System (BIS), Behavioral Activation System (BAS), Attachment Styles

رابطه بین سیستم‌های روی آورد / اجتناب و سبک‌های دلبستگی

رقیه یعقوبی[✉]، پرویز آزاد فلاح^۱، کاظم رسول زاده طباطبایی^۱

[✉]گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۱گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۹

چکیده

مقدمه: واریسی نقش سازه‌های شخصیتی و مؤلفه‌های مرتبط با تفاوت‌های فردی اهمیت شایان توجهی دارد. هدف از این مطالعه، تعیین رابطه بین سیستم‌های روی آورد/اجتناب و سبک‌های دلبستگی بود.

روش: این مطالعه در قالب یک پژوهش، از نوع همبستگی صورت گرفته است. نمونه آماری تحقیق شامل ۳۱۵ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه تربیت مدرس بود که به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. گروه نمونه با اجرای مقیاس سیستم‌های بازداری/فعال‌ساز رفتاری (BIS/BAS) کرور و وایت و پرسشنامه بازنگری شده مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینتر و رید RAAS مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین فعالیت سیستم روی آورد با سبک دلبستگی ایمن و فعالیت سیستم اجتناب با سبک‌های دلبستگی نایمن رابطه وجود دارد. به علاوه این پژوهش نشان داد خرده مقیاس‌های سیستم روی آورد به میزان ۲۰ درصد، واریانس سبک دلبستگی ایمن را پیش‌بینی کرده و سیستم اجتناب تقریباً ۱۱/۵ درصد واریانس مربوط به سبک دلبستگی نایمن را تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری: آنچه از یافته‌های پژوهش بر می‌آید، تأکید بر این مطلب است که سطح فعالیت سیستم‌های روی آورد/اجتناب می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سبک‌های دلبستگی فرد باشد.

کلید واژه‌ها: سیستم‌های مغزی/رفتاری، سیستم روی آورد (BIS)، سیستم اجتناب (BAS)، سبک‌های دلبستگی

مقدمه

یکی از توصیف‌های نوین از ساختار شخصیت، نظریه حساسیت به تقویت است که سه سیستم متعامل را توصیف می‌کند. نقطه قوت و برتری این نظریه، تأکید آن بر جنبه‌های انگیزشی است که به صورت سبب‌شناختی به ابعاد شخصیت و رفتار می‌پردازد و به طور مشخص سیستم‌های انگیزشی اجتناب و روی آورد که در ویژگی‌های با ثبات شخصیتی و رفتاری نقش مهمی دارند؛ را توصیف می‌کند [۱].

گری [۲] پیشنهاد کرد که تفاوت‌های فردی در کارکرد این سه سیستم و تعامل بین آن‌ها، موجب تفاوت در شخصیت انسان‌ها می‌شود. اولین سیستم، سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) می‌باشد، حساسیت این سیستم نمایانگر زودانگیزگی فرد است و به نظر می‌رسد که برای تجاربی نظیر امید، وجد و شادی پاسخگو باشد، فرض بر این است که این سیستم فعال‌ساز رفتاری دلیل بنیادی صفت زود انگیزگی است و با انگیزش، برون‌گردی و جستجوی احساس مرتبط می‌باشد [۳]. گری، پایه عصبی سیستم فعال‌ساز رفتاری را فعالیت دستگاه دوپامینی مزولیمبیک می‌داند [۴]. دومین سیستم، سیستم جنگ/گریز می‌باشد که در نسخه تجدید نظر شده RST گری و مک ناتون سیستم جنگ/گریز/بهت (FFFS) نامیده می‌شود؛ در پاسخ محرک‌های ناخوشایند شرطی و غیرشرطی رفتار فرار و اجتناب را فعال می‌سازد و هیجان ترس را به آن نسبت می‌دهند. این سیستم از لحاظ ساختاری، بیش‌تر از طریق بادامه و ساخت‌های هیپوتالاموسی تعدیل می‌شود [۵].

سومین سیستم، سیستم BIS است، سیستم اجتناب رفتاری به نشانه‌های تنبیه حساس است و باعث برانگیختن رفتار اجتناب و ترس می‌شود، محرک‌های شرطی که با تنبیه همخوانی دارد، محرک‌های شرطی که با حذف یا پایان یافتن پاداش همخوانی دارند، محرک‌های جدید و محرک‌هایی که به صورت ذاتی برای گونه، ترس‌آور هستند در مقوله محرک‌های برانگیزاننده سیستم اجتناب رفتاری قرار دارند. رفتارهایی که با این محرک‌ها برانگیخته می‌شوند، عبارت است از بازداری رفتاری، افزایش سطح برانگیختگی، به گونه‌ای که رفتار بعدی با قدرت و سرعت بیش تری انجام شوند و افزایش توجه به اجزای محیطی می‌باشد. تاثیر انتخابی داروهای ضد اضطراب بر عملکرد BIS در پذیرش این فرض که فعالیت این سیستم با اضطراب در آمیخته است، نقش اساسی ایفا کرده است. براین اساس می‌توان حالت ذهنی خاصی را که همراه با فعالیت BIS وجود دارد به عنوان اضطراب تلقی کرد. مجموعه ساخت‌هایی که کنش‌های BIS را بر عهده دارند، در سیستم جداری-هیپوکامپی قرار دارند. سه بخش اصلی این سیستم تشکیلات هیپوکامپی، ناحیه جداری و مدار پاپز می‌باشد [۶].

علاوه بر سیستم‌های مغزی/ رفتاری، سبک‌های دلبستگی نیز یکی دیگر از سازه‌های مهم شخصیتی هستند، که به شکل

گسترده‌ای درباره ارتباط آن‌ها و ویژگی‌های شخصیت و مباحث آسیب‌شناختی پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است. سبک‌های دلبستگی، از الگوهای تعامل اولیه میان نوزاد و مادر (یا مراقب کودک)، و بر این اساس که چگونه مادر به اضطراب‌ها و نیازهای کودک پاسخ می‌گوید، شکل می‌گیرد [۷]. رابطه مراقب- کودک مهم‌ترین اصلی است که در رشد شخصیت انسان مورد تأکید اکثر روان‌شناسان قرار گرفته است [۸]. اینرورث [۹] سبک‌های دلبستگی را به صورت سه بخش مستقل؛ دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا توصیف نمود. سبک‌های دلبستگی انتظارات کودک را درباره اینکه آیا مادر (مراقب) در دسترس و پاسخگو هست یا نه، را شکل می‌دهند. کودکان ایمن به دسترس‌پذیری مادر بیش‌تر اعتماد دارند و بیش از کودکان نالین (اجتنابی و دوسوگرا) از وی به عنوان پایگاه امن استفاده می‌کنند. هنگام بازگشت مادر پس از جدایی کوتاه مدت، کودکان ایمن با وی با سهولت تماس و تعامل برقرار می‌کنند؛ کودکان اجتناب گر با گسستن و دوری کردن و کودکان دوسوگرا با افزایش تردید و دوسوگرایی بین دلبستگی و عصبانیت واکنش نشان می‌دهند.

با توجه به این که، سیستم روی آورد رفتاری و ارتباط‌های درون‌شد و برون‌شد آن، یک حلقه پس‌خوراند مثبت ساده است، که از طریق محرک‌هایی که با پاداش یا فقدان تنبیه همخوانی دارند؛ فعال می‌شود و به گونه‌ای عمل می‌کند که مجاورت فضایی- زمانی به این محرک‌ها افزایش یابد، پس BAS سیستمی است که به طور کلی قابلیت هدایت ارگانیزم به سوی اهدافی (مانند آب و غذا) را دارد، که برای بقا ضروری هستند [۱۰]، به عبارت دیگر، هدف BAS، شروع و هدایت رفتار اکتشافی مبتنی بر روی آورد است؛ که ارگانیزم را به تقویت کننده‌ها نزدیک‌تر می‌کند. با این توصیف می‌توان رفتارهای نشأت گرفته از نیاز نوزاد به دلبستگی را نیز در رده رفتارهای ضروری برای بقا در نظر گرفت و به صورت نظری پذیرفت که در راه اندازی نیاز نوزاد به دلبستگی و حمایت نسبت به مراقبش سیستم روی آورد رفتاری نقش مهمی دارد. در ادامه می‌توان تصور کرد که رفتار مراقب اگر از نوعی باشد که در نوزاد دلبستگی ایمن را پایه ریزی و تقویت کند- مراقب در هنگام نیاز نوزاد به لمس و حمایت به خوبی نیازهایش را برآورده سازد سیستم روی آورد رفتاری مسیر اصلی و غالب وی در ادراک پدیده‌ها و واکنش به آن‌ها خواهد بود.

کرور و وایت [۱۱] مقیاس BAS/BIS را در تلاش برای ارزیابی خودگزارش دهی درباره تمایلات پایدار روی آورد و اجتناب ساختند. در این مقیاس، سیستم BIS بر گزارش ترس و اضطراب متمرکز بود و کارکردهای نظری FFFS مطابق نظریه گری را نیز در بر می‌گرفت. مقیاس BIS به شکل قوی و مثبت با دلبستگی اضطرابی همبستگی دارد، اما با دلبستگی اجتنابی ارتباط ندارد [۷]. زیر مقیاس‌های BAS با سه زیر مقیاس،

پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای مقیاس BIS برابر ۰/۷۶ و برای خرده مقیاس های BAS ۰/۹۱- و ۰/۸۴ به دست آمد که بیانگر اعتبار مناسب مقیاس مذکور می‌باشد.

پرسشنامه بازنگری شده مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید: مقیاس دلبستگی بزرگسالان (RAAS) ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کولینز و رید تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفت. این پرسشنامه شامل ارزیابی فرد از مهارت ایجاد روابط و توصیف خود در مورد شیوه شکل‌دهی به دلبستگی‌های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده است که توسط علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت برای هر ماده (۰ = کاملاً مخالفم تا ۴ = کاملاً موافقم) سنجیده می‌شود. تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس ۶ ماده‌ای را مشخص می‌سازد. (۱) وابستگی: میزانی را که آزمودنی‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند و به آن‌ها متکی می‌شوند، به صورت این که در مواقع لزوم قابل دسترسی‌اند، اندازه‌گیری می‌کند. (۲) نزدیکی: میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می‌سنجد (۳) اضطراب: میزان نگرانی فرد از طرد شدن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کولینز و رید بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازن و وشپور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیدند. زیر مقیاس (A) با دلبستگی نا ایمن دوسوگرا (AM) مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیکی (C) یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمنی و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد. بنابراین نزدیکی (C) در تطابق با دلبستگی (S) می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی (AV) قرار داد [۱۴]. کولینز در مورد اعتبار این مقیاس میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیر مقیاس این پرسشنامه در سه نمونه از دانشجویان گزارش داد در این گزارش آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ بود، که نمایانگر میزان اعتبار بالا است [۱۴]. پاکدامن [۱۵] به منظور بررسی روایی محتوای پرسشنامه RAAS این پرسشنامه را روی ۱۰۰ نفر از دانش آموزان دوم دبیرستان (۵۰ پسر و ۵۰ دختر) اجرا کرد، با بررسی ضریب همبستگی بین مواد مربوط به هر زیر مقیاس با نمره آن زیر مقیاس، در این گروه میزان انسجام درونی مواد و همبستگی آن‌ها با آن‌چه هدف سنجش زیر مقیاس مربوط به آن برای وابستگی ۰/۴۵، برای اضطراب ۰/۷۱، و برای نزدیک بودن ۰/۵۷ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ در نمونه حاضر ۰/۸ بود که نشان دهنده اعتبار نسبتاً بالای این آزمون است. در پژوهش حاضر ضرایب اعتبار زیر مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۴۵، ۰/۷۴ و ۰/۶۰ به دست آمد.

پس از تعیین نسبت نمونه در هر دانشکده و انتخاب گروه نمونه، توضیح مقدماتی به دانشجویان داده شد، سپس سه پرسشنامه، همراه با فرم مشخصات فردی همزمان برای تکمیل کردن به آزمودنی‌ها ارائه شد. بعد از اتمام پاسخ‌دهی دانشجویان،

پیش‌بینی‌پذیری ادراک لذت را برآورد می‌کنند؛ که با دلبستگی اجتنابی دارای همبستگی منفی، و با دلبستگی اضطرابی ارتباطی ندارد [۷].

سبک‌های دلبستگی در بزرگسالان و حساسیت سیستم‌های روی‌آورد/اجتناب (BIS/BAS) به عنوان پیش زمینه‌هایی توصیف شده‌اند که آشفتگی و روی‌آورد/اجتناب، فرد را در برابر موقعیت‌های تهدید آمیز و تنش‌زا پیش بینی می‌کنند؛ اما ارتباط میان این ساختارها هنوز به وضوح روشن نیست لذا در این پژوهش در پی یافتن پاسخ بررسی این مطلب هستیم که ابعاد دلبستگی چگونه با انگیزش‌های روی‌آورد و اجتناب رفتاری تطابق می‌یابند، و در نتیجه سیستم‌های مغزی/ رفتاری گری و مک ناتان چگونه با این ابعاد همخوان می‌شوند.

روش

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های همبستگی بود، جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دختر دانشگاه تربیت مدرس بود که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند و تعداد آن‌ها ۲۹۴۸ (۱۷۲۳ دانشجوی دختر) نفر بود. حجم نمونه مورد بررسی در این پژوهش با استناد به جدول کرچسی و مورگان [۱۲]، ۳۱۵ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی طبقه‌ای است. بدین منظور از میان دانشکده‌های موجود در دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، علوم زیستی، علوم پزشکی، مهندسی برق و کامپیوتر و هنر، انتخاب شدند، بر این اساس نسبت جمعیت گروه نمونه بر حسب تعداد افراد هر دانشکده انتخاب شد. ابزارهای به کار رفته برای گردآوری داده‌ها عبارت بودند از:

مقیاس سیستم‌های بازداری/فعال ساز رفتاری (BAS/BIS) کرور و وایت: این مقیاس شامل ۲۴ ماده است که هر کدام بر روی یک مقیاس ۴ درجه ای لیکرت درجه‌بندی می‌شود (۰ = کاملاً مخالفم تا ۴ = کاملاً موافقم). خرده مقیاس BIS، حساسیت سیستم اجتناب رفتاری یا پاسخدهی به تهدید و احساس اضطراب هنگام رویارویی با نشانه‌های تهدید را اندازه می‌گیرد، این خرده مقیاس شامل ۷ ماده است. خرده مقیاس BAS، حساسیت سیستم فعال ساز رفتاری را اندازه می‌گیرد و شامل سه خرده مقیاس دیگر است که عبارتند از: پاسخدهی به پاداش (۵ ماده)، کشاننده (۴ ماده)، جستجوی سرگرمی (۴ ماده) و ۴ ماده از این مقیاس، به عنوان سؤالات انحرافی در نظر گرفته شده است. به گزارش کرور و وایت [۱۱]، ثبات درونی خرده مقیاس BIS، ۰/۷۴ است و ثبات درونی سه خرده مقیاس پاسخدهی به پاداش، کشاننده و جستجوی سرگرمی، به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ می‌باشد. در مطالعه عطری فرد [۱۳] ثبات درونی خرده مقیاس BIS، ۰/۴۷ و ثبات درونی BAS و خرده مقیاس‌های پاسخدهی به پاداش، کشاننده و جستجوی سرگرمی به ترتیب ۰/۴۷، ۰/۷۳، ۰/۶۰، ۰/۱۸ به دست آمد. در

گام به گام در جدول ۲ آورده شده است. در این تحلیل متغیرهای پیش‌بین (پاسخدهی به پاداش، جستجوی سرگرمی و کشاننده) با توجه به شدت ارتباطشان با متغیر ملاک (سبک دلبستگی ایمن)، به ترتیب وارد معادله شده و متغیرهای پیش‌بینی که سهم معناداری در افزایش متغیر ملاک نداشته‌اند، وارد معادله نشده‌اند.

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین خرده‌مقیاس‌های سیستم روی‌آورد (کشاننده و جستجوی سرگرمی) و سبک دلبستگی ایمن همبستگی معنادار ($P < 0.01$) وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که ورود خرده‌مقیاس کشاننده به تنهایی می‌تواند $16/5$ درصد از واریانس مربوط به سبک دلبستگی ایمن را تبیین کند، که با اضافه شدن خرده‌مقیاس پیش‌بین دوم (جستجوی سرگرمی) ضریب تبیین به 20 درصد افزایش می‌یابد، که این میزان افزایش نیز معنادار ($P < 0.05$) است. خرده‌مقیاس پاسخدهی به پاداش سهم معناداری در افزایش دقت پیش‌بینی متغیر ملاک نداشته، بنابراین این وارد معادله نشده است، همچنین با توجه به ضرایب استاندارد شده بتای حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام می‌توان نتیجه گرفت که بین خرده‌مقیاس‌های متغیر پیش‌بین و ملاک رابطه مثبت معنادار ($P < 0.05$) وجود دارد.

جهت بررسی ارتباط فعالیت سیستم اجتناب و سبک‌های دلبستگی ناایمن از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. قبل از اجرای رگرسیون پیش‌فرض‌های رگرسیون مورد مطالعه قرار گرفت که با توجه به برقرار بودن مفروضه‌ها، اقدام به اجرای رگرسیون شد. نتایج حاصل از رگرسیون خطی ساده در جدول ۳ آورده شده است.

پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص بقیه پرسشنامه‌ها آمایش و داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به روش گام به گام استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین سنی آزمودنی‌ها ۲۶ سال و دامنه سنی آن‌ها ۲۲ تا ۳۰ سال بوده است، همچنین $75/6$ درصد افراد نمونه دارای مدرک کارشناسی ارشد و بقیه افراد دارای مدرک دکتری می‌باشند. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی مربوط به میزان فعالیت سیستم روی‌آورد/اجتناب و سبک‌های دلبستگی ارائه شده است. به منظور محاسبه میزان ارتباط و پیش‌بینی و تبیین سیستم روی‌آورد رفتاری با سبک دلبستگی ایمن، از چند تحلیل رگرسیون به روش گام به گام استفاده شده است. قبل از اجرای رگرسیون پیش‌فرض‌های رگرسیون مورد مطالعه قرار گرفت. با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون ($D=1/791$) که در دامنه $1/5$ و $2/5$ قرار دارد، لذا می‌توان گفت خطاها ناهم‌بسته‌اند. با توجه به عدم روند خاص در نمودار باقیمانده‌های استاندارد شده در برابر مقادیر برازش شده استاندارد، دلیلی بر ناثبات بودن واریانس خطاها پیدا نشده است. همچنین در نمودار احتمال نرمال برای باقیمانده‌های استاندارد شده مدل رگرسیون (Normal P-P Plot of Regression Standardized Residual)، باقیمانده‌های استاندارد شده (نقاط حول خط) انحراف کمی از خط نرمال را نشان دادند. پیش‌فرض‌های رگرسیون برقرار بودند. سپس اقدام به اجرای رگرسیون گام به گام شد. نتایج حاصل از رگرسیون

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه

شاخص	مقیاس		
	سیستم روی‌آورد BAS	سیستم اجتناب BIS	سبک دلبستگی ایمن
میانگین	۶/۱۷	۰/۹۱	۱۳/۲۳
انحراف معیار	۱/۱۰	۰/۶۵	۳/۷۱
			سبک‌های دلبستگی ناایمن
			۱۹/۰۰
			۷/۱۵

جدول ۲. نتایج رگرسیون گام به گام سیستم روی‌آورد و سبک دلبستگی ایمن

گام	متغیر پیش‌بین	ضریب استاندارد شده B	t	معناداری	R ²	F	معناداری
۱	ثابت		۱۸/۲۶۱	<۰/۰۰۱*	۰/۱۶۶	۱۴/۲۷۸	<۰/۰۰۱*
	کشاننده	۰/۴۰۷	۵/۰۶۷	<۰/۰۰۱*			
۲	ثابت		۱۶/۲۹۲	<۰/۰۰۱*	۰/۱۹۷	۱۵/۳۲۷	<۰/۰۰۱*
	کشاننده	۰/۳۸۱	۵/۰۶۷	<۰/۰۰۱*			
	جستجوی سرگرمی	۰/۲۷۸	۳/۵۴۲	<۰/۰۰۱*			

* $P < 0.05$

جدول ۳. نتایج رگرسیون خطی سیستم اجتناب بر سبک‌های دلبستگی ناایمن

متغیر پیش‌بین	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده B						
	ضریب B	خطای معیار	P	t	R	R ²	F	P	
ثابت	۱۸/۱۰۲	۰/۶۶۵	<۰/۰۰۱*	۲۷/۲۳۱	۰/۳۴۱	۰/۱۱۶	۴/۲۸۵	۰/۰۳۹*	
سیستم اجتناب	۱/۲۱۶	۰/۵۸۷	۰/۱۱۶	۲/۰۷۵	۰/۳۹*				

* $P < 0.05$

جهت نوعی مقابله و تلاش در رفع موانع و جستجوی پیامدهای خوشایند سوق می‌دهد، در حالی که غلبه و حساسیت زیاد سیستم اجتناب رفتاری، هدایت فرد به سمت درماندگی و افسردگی را در پی دارد [۱۶].

نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر ارتباط مستقیم خرده مقیاس‌های کشاننده و جستجوی سرگرمی در سیستم روی‌آورد رفتاری با سبک دلبستگی ایمن است. این نتایج همسو با نتایج تحقیقات مک‌دانلد و کینگزبری [۱۷] می‌باشد که، در توصیف افراد ایمن (مثبت در مدل خویشتن و دیگران) بیان می‌کنند؛ اینان کسانی هستند که به راحتی صمیمی می‌شوند، روابط اجتماعی خود را به خوبی تنظیم کرده و در شبکه وسیع‌تری از روابط اجتماعی درگیر می‌شوند آن‌ها خصوصیت و اضطراب کمتر و انعطاف پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند و کمتر از خطرات می‌ترسند و به نظر می‌رسد که در این افراد نیز باید شاهد فعالیت BAS باشیم. در کل به نظر می‌رسد افراد ایمن افرادی مثبت‌اندیش، و دارای اطمینان به خودند.

از سوی دیگر این یافته همسو با تحقیقات، کسیدی [۱۸]، کیرک پاتریک و دیویسون [۱۹] و تیدول، ریس و شویور [۲۰] است که، نشان دادند اعتماد به خود و اعتماد به دیگران که منجر به رفتارهای روی‌آورد می‌شود، دو ویژگی اساسی افراد ایمن به شمار می‌رود. اعتماد به خود به عنوان یکی از مبانی درون روانی فردی که دارای دلبستگی ایمن می‌باشد، به فرد این توانایی را می‌دهد که در روابط بین شخصی با مهارت، اطمینان و آرامش بیش‌تر به تعامل بپردازد.

نتایج این پژوهش می‌تواند از چشم انداز دیگری هم مورد توجه قرار گیرد، که مربوط به بنیادهای زیستی و هیجانی این دو مولفه می‌باشد، در این راستا، دیویسون [۲۱] عنوان می‌کند که گرایش‌های روی‌آورد و اجتناب پیش از ظهور هیجان‌ها به عنوان ابزاری برای حل مشکلات سازشی به وجود آمده‌اند، ولی هیجان‌ات پس از تکامل و نیاز به ترکیب با فرایندهای شناختی، با سیستم‌های روی‌آورد و اجتناب همبسته شده‌اند، او تأکید می‌ورزد که این سیستم‌های زیربنایی، عناصر مهم در فضای عواطف به شمار می‌روند و ناقرینگی در فعالیت قشر ناحیه پیشین مغز با فرایندهای روی‌آورد و اجتناب ارتباط دارد. بدین صورت که فعالیت بیش‌تر سمت چپ نسبت به راست با هیجان‌ات مرتبط با روی‌آورد و فعالیت بیش‌تر سمت راست نسبت به سمت چپ با هیجان‌ات اجتناب همبسته است. همچنین فعالیت BIS با هیجان پذیری و عاطفه منفی همراه است [۲۲].

نتایج این پژوهش حاکی از این مطلب است که: سیستم اجتناب توانایی پیش‌بینی سبک دلبستگی ناایمن را دارد، سیستم اجتناب رفتاری زیربنای بعد هیجانی اضطراب است [۴]. گری [۲۳] معتقد است فعالیت BIS با اضطراب و اجتناب

بر اساس اطلاعات این جدول مشاهده می‌شود که، بین سیستم اجتناب به عنوان متغیر پیش‌بین و سبک‌های دلبستگی ناایمن (دوسوگرا و اجتنابی) به عنوان متغیر ملاک همبستگی معنادار ($P < 0.05$) وجود دارد و سیستم اجتناب تقریباً ۱۱/۵ درصد ($R^2 = 0.116$) واریانس مربوط به سبک دلبستگی ناایمن را تبیین می‌کند، طبق این نتایج، میزان F در تحلیل واریانس مشاهده شده ($F = 4.285$ و $df = 1$ و 313) معنادار است ($P < 0.05$). ضریب تأثیر سیستم اجتناب ($B = 1.216$) با توجه به آماره‌ی t نشان می‌دهد که این متغیر می‌تواند تغییرات مربوط به متغیر دلبستگی ناایمن را پیش‌بینی کند؛ یعنی افزایش فعالیت سیستم اجتناب باعث افزایش سطح سبک‌های دلبستگی ناایمن می‌شود.

بحث

پژوهش حاضر تلاشی برای ترسیم نمون رابطه بین سیستم‌های روی‌آورد/اجتناب و سبک‌های دلبستگی به عنوان سازه‌های مهم شخصیتی بود، که مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

در این راستا، تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که، سیستم روی‌آورد رفتاری با سبک دلبستگی ایمن، و سیستم اجتناب رفتاری با سبک‌های دلبستگی ناایمن همبستگی معناداری دارند. اگر چه پژوهشی دال بر رابطه سیستم روی‌آورد با سبک دلبستگی آن‌گونه که در این پژوهش انجام شده است در پیشینه تحقیقاتی یافت نشد اما، مه‌یر، اولیور و روث [۷] در تحقیق خود در رابطه با سبک‌های دلبستگی، BAS/BIS و پاسخ به تهدید، نشان دادند که سبک‌های دلبستگی در بزرگسالان، به مانند حساسیت‌های روی‌آورد و اجتناب رفتاری، هر دو به عنوان قابلیت و پیش‌آمدگی‌هایی که پیش‌بینی کننده درماندگی فرد و رفتارهای روی‌آورد و اجتناب وی در برابر موقعیت‌های تهدید آمیز هستند، عمل می‌کنند، اما ارتباط میان این دو ساختار شخصیتی را به وضوح روشن نساخته‌اند. آنان دریافتند که میان تمایلات به روی‌آورد و ارتباط نزدیک و فعالیت BAS ارتباط وجود دارد و در موقعیت‌های تهدیدآمیز بین فردی BIS فعالیت بیش‌تری را از خود نشان می‌دهد. در تبیین این یافته و ارتباط میان این دو مؤلفه شخصیت می‌توان نظریه حساسیت به تقویت‌گری [۴] را به کار برد، نقطه قوت و برتری این نظریه، تأکید آن بر جنبه‌های انگیزشی است، که به صورت سبب‌شناختی به ابعاد شخصیت و رفتار می‌پردازد. این سیستم انگیزشی در ارتباط با سیستم روی‌آورد، انرژی دهنده و جهت دهنده رفتار است و در رابطه با سیستم اجتناب، حاصل آن بازدارندگی رفتاری، و باعث کاهش فعالیت در رفتار می‌شود [۱]. تحلیل رفتارهایی که در قبال برانگیختگی سیستم‌های روی‌آورد رفتاری و اجتناب رفتاری بروز می‌کند، نمایانگر این است که فعالیت سیستم روی‌آورد رفتاری، فرد را در

زندگی دارد و مطالعات طولی مختلف نشان داده‌اند که برون‌گرایی، رابطه مثبتی با رویدادهای خوشایند دارد و روان‌آورده‌گرایی با رویدادهای مهم ناخوشایند در زندگی رابطه مثبت دارد. بنابراین افرادی که فعالیت BIS بالاتری دارند، احتمال بروز رویدادهای منفی بیش‌تری برای خود می‌دهند؛ به همین دلیل از شرکت در فعالیتهای چالش‌انگیز که ممکن است نتایج خوشایندی برایشان نداشته باشد، اجتناب می‌کنند. در مقابل، افرادی که فعالیت BAS در آن‌ها بالاتر است، موقعیتهایی را جستجو می‌کنند که احتمال رویداد مثبت در آن وجود دارد، مثل نزدیک شدن به یک غریبه جذاب. همچنین افرادی که فعالیت BIS بالاتری دارند، احتمالاً واکنش بیش‌تری به رویدادهای منفی نشان می‌دهند. [۲۸].

بررسی میزان فعالیت روی‌آورد/اجتناب در این پژوهش، به جهت مزایای عملیاتی و اجرایی از طریق مقیاس بازداری/فعال ساز رفتاری صورت گرفته است، در حالی که ارزیابی دقیق‌تر فعالیت این سیستم‌ها نیازمند استفاده از روش‌های نوروفیزیولوژیک می‌باشد همچنین با توجه به این که در پژوهش حاضر گروه نمونه تنها محدود به دانشجویان دختر بود، لذا داده‌های این پژوهش می‌تواند سبب کاهش تعمیم‌پذیری نتایج شود.

نتیجه‌گیری

آنچه از یافته‌های پژوهش بر می‌آید، تأکید بر این مطلب است که سطح فعالیت سیستم‌ها روی‌آورد/اجتناب به عنوان سازه‌ای در حوزه تفاوت‌های فردی که بیش‌تر منبای سرشتی دارد می‌تواند به عنوان عاملی زمینه‌ساز در کنار عوامل محیطی در پدیدآیی سبک‌های دلبستگی نقش‌آفرینی کند. در یک جمع‌بندی کلی از یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سبک‌های دلبستگی و سیستم‌ها روی‌آورد/اجتناب اگر چه همواره ثابت و پایدار نمی‌مانند، اما از عوامل قدرتمند تعیین‌کننده رفتار هستند.

تشکر و قدردانی: در آخر، نهایت تشکر و قدردانی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند می‌نماییم.

منابع

1. Johnson J, Kim L, Giovannelli T, Cagle T. Reinforcement sensitivity theory, vengeance, and forgiveness. *Pers Individ Diff.* 2010;48(5):612-6.
2. Heponiemi T. *Physiological and Emotional Stress Reaction: The effects of temperament and exhaustion*: University of Helsinki; 2004.
3. Atashkar R, Fathi-Ashtiani A, Azad-Fallah P. The relationship between extraversion, neuroticism and psychoticism with brain /

رفتاری همراه است. در مورد بعد اضطراب می‌توان یک BIS فعال را در نظر گرفت؛ این وضعیت هم موجب اضطراب شدید و هم اجتناب رفتاری و اجتناب از خطر می‌شود. بر اساس کنش‌وری سیستم اجتناب، انتظار می‌رود که چنین اشخاصی خجالت، انزوای اجتماعی، حساسیت به تنبیه و شکست را نشان دهند و به سادگی جرأت خود را از دست داده و در گسترش روش‌های فعال برای مقابله با موقعیت‌ها، با شکست مواجه شوند [۱۰]. از سوی دیگر پژوهشگران تأکید بسیاری بر تأثیر روابط دلبستگی دوران کودکی [۲۴] و شیوه مراقبت دوران کودکی [۲۵] بر رشد اضطراب و خط تحولی اختلال‌های اضطرابی داشته‌اند به نظر می‌رسد این ویژگی اضطراب می‌تواند تبیینی برای به وجود آمدن رابطه مثبت بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و سیستم اجتناب در پژوهش حاضر باشد.

از سوی دیگر، نتایج این پژوهش با نتایج مک‌دانلد و کینگزبری [۱۷] همسو است که نشان دادند بعد دلبستگی اجتنابی (مبتنی بر مدل دیگران)، نماینده ادراک و برآورد میزان سودمندی در قربت و لذت‌های پیش‌بینی‌پذیر در تعامل نزدیک با دیگران است. با این توصیف اصولاً باید با سیستم BAS مرتبط باشد. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی با حفظ فاصله هیجانی از دیگران یا حفظ فاصله از مواجهه با تنیدگی‌ها ارتباط دارد [۲۶]. در شکل اضطرابی دلبستگی (مبتنی بر مدل خویش‌نشان)، فرد به خطر طرد در روابط نزدیک و صمیمانه حساسیت بسیار دارد. بنابراین دلبستگی اضطرابی نشان‌دهنده ادراک تهدید و ترس از صدمه دیدن و طرد شدن در برقراری ارتباط است، منطقی به نظر می‌رسد این بعد با سیستم‌های BIS و FFFS مرتبط باشد [۱۷]. همچنین جهت‌گیری مضطرب-دوسوگرا با فرار هیجان در تعامل‌های اجتماعی و احتیاط مفرط به منابع تنیدگی رابطه دارد [۲۷].

همچنین سبک‌های دلبستگی نحوه مقابله افراد با تنیدگی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، افراد ناایمن در تنظیم هیجانی از راهبردهایی استفاده می‌کنند که بر هیجان‌های منفی و تجربه موقعیت‌ها به شیوه‌ای تنش‌زا (دلبستگی اضطرابی)، و یا به سرکوب کردن تجربه‌های هیجانی و اجتناب از موقعیت‌ها و ایجاد فاصله (در دلبستگی اجتنابی) تأکید دارند. از آنجایی که عاطفه مثبت و منفی ارتباط تنگاتنگی با رویدادهای مثبت و منفی

- behavioral systems. *J Behav Sci.* 2008;1(2):103-11. [Persian]
4. Gray J, McNaughton N. *The neuropsychology of anxiety: An enquiry into the functions of the septo-hippocampal system*: Oxford University Press; 2000.
 5. Shahidi S, Azad-Fallah P, Khedmat H. Comparison of brain/behavioral systems activity in patients with gastroesophageal reflux disease and

- healthy people. *J Behav Sci.* 2010;4(2):83-9. [Persian]
6. Hashemi T, Abdollahzadeh J. Behavioral activation and behavioral inhibition system in borderline personality disorder. *J Res Behav Sci* 2013; 11(3):157-65. [Persian]
7. Meyer B, Olivier L, Roth D. Please don't leave me! BIS/BAS, attachment styles, and responses to a relationship threat. *Pers Individ Diff.* 2005; 38(1):151-62.
8. Baezzat F., Eizadifard R., Peivastegar M. Comparison of attachment styles between conduct disorder, dyslexic and normal students. *J Behav Sci.* 2009; 3(3):231-6. [Persian]
9. Khetrapal N. The early Attachment Experiences are the roots of Psychopathy. *Interpersona.* 2009;3(1):1-13.
10. Azad-fallah P. The relationship between brain/behavioral system Life- Events, and immunological changes in sigA. Tehran, Tarbiat Modares university;1999.[Persian]
11. Carver C, White T. Behavioral Inhibition, Behavioral Activation, and Affective Responses to Impending Reward and Punishment: The BIS/BAS Scales. *J Pers Soc Psychol.* 1994;67(2):319-33.
12. Kerjcis W, Morgan D. "Determining sample for research activities". *Educ Psychol Measur.* 1970;30:607-10.
13. Atrifard M, Azad-Fallah P, Ejei J. Activity of brain/ behavioral systems and proness to shame and guilt. *Pshycol J.* 2006;1(10):3-21. [Persian]
14. Feeney J, Noller P. Adult attachment. California: Sage Publication; 1996.
15. Pakdaman S. The relation between attachment and sociability in adolescence. *Psychol Sci.* 2004;3(9):25-49.
16. Azadfallah P, Dadsetan P, Ezheei J, Moazeni M. Stress work systems and brain/ behavioral changes IVIGA secretary. *Pshycol J.* 1999;3(9):3-22. [Persian]
17. MacDonald G, Kingsbury R. Does physical pain augment anxious attachment? *J Soc Pers Relat.* 2006; 23(2): 291-304.
18. Cassidy J. Child-mother attachment and the self in six-year-olds. *Child Dev.* 1988;59:121-34.
19. Kirkpatrick L, Davis K. Attachment style, gender, and relationship stability: A longitudinal analysis. *J Pers Sos Psychol.* 1994; 66(3):502-12.
20. Tidwell M, Reis H, Shaver P. Attachment, attractiveness and social interaction: A diary study. *J Pers Sos Psychol.* 1996; 71(4):729-45.
21. Davidson R. Cerebral asymmetry and emotion: Conceptual and methodological conundrums. *Cogn Emotion* 1993; 7(1):115-38.
22. Heubeck B, Wilkinson R, Cologon J. A second look at Carver and White's BIS/BA Scales. *Pers Individ Diff.* 1998; 25(4):785-800.
23. Gray JA. Brain systems that mediate both emotion and cognition. *Cognition Emotion.* 1990;4(3):269-88.
24. Riggs S, Jacobvitz D. Expectant parents' representations of early attachment relationships: Associations with mental health and family history. *J Consult Clin Psychol.* 2002; 70(1):195-204.
25. Bennet A, Stirling J. Vulnerability factors in the anxiety disorders. *Brit J Med Psychol.* 1998;71(3):311-21.
26. Cooper M, Shaver P, Collins N. Attachment styles, emotion regulation, and adjustment in adolescence. *J Pers Soc Psychol.* 1998; 74(5):1380-97.
27. Kim Y. Emotional and cognitive consequences of adult attachment: The mediating effect of the self. *Pers Individ Diff.* 2005; 39(5):913-23.
28. Kafetsios K. Attachment and emotional intelligence abilities across the life course. *Pers Individ Diff.* 2004; 37(1):129-45.